

اهمیت شانگهای برای افغانستان

مهدی مدیر



تجاری و اقتصادی کشورهای عضو سازمان به بازارهای منطقه و بین المللی نقش بازی کند. همچنانکه افغانستان با عبور دادن خط ابریشم، سالها نقطه ی وصل کشورهای آسیای میانه بوده است. امنیت افغانستان نیز برای تمام کشورهای عضو و کشورهای ناظر سازمان همکاری شانگهای اهمیت دارد. نا امنی در افغانستان می تواند امنیت همه ی آنها را تحت تاثیر قرار دهد. از سوی دیگر، در صورتی که با تروریزم در افغانستان مبارزه صورت نگیرد و لانه های تروریزم در این کشور از بین نرود، گروه های تروریستی می تواند از طریق مرزهای افغانستان با کشورهای عضو سازمان، به این کشورها نفوذ یکنند و امنیت همه ی آنها را با تهدید مواجه سازد. چنانچه یکی از اهداف افزایش فعالیت های گروه طالبان و سایر گروه های تروریستی در شمال افغانستان، نفوذ به کشورهای آسیای میانه می باشد. به این لحاظ یک افغانستان امن می تواند تهدیدهای زیادی را از کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای دور کند و برای امنیت و آرامش آنها بیشتر مفید باشد.

مبارزه با مواد مخدر نیز یکی از اهداف اصلی سازمان همکاری شانگهای است. افغانستان سابقا به سبب تولید بزرگترین تولید کننده مواد مخدر شناخته

مفاد توافقنامه منطقه ای، با قاچاق مواد مخدر در طول مرزهای کشورهای عضو مبارزه خواهد کرد. حضور افغانستان در نشست های این سازمان و همچنان کسب عضویت دایمی موقبلستان و افغانستان اعضای ناظر این سازمان هستند. هند و پاکستان قرار بود سال گذشته به عنوان اعضای دایمی این سازمان پذیرفته شوند، ولی این مسئله به تعویق افتاد. افغانستان نیز در سال ۲۰۱۵ پیشنهاد عضویت دایمی خود را به این سازمان ارائه کرد و اکنون تلاش دارد تا عضویت دایمی سازمان همکاری شانگهای را بدست آورد.

مسائل امنیتی آسیای میانه از دغدغه های اصلی این سازمان است. رشد افراط گرایی و گسترش فعالیت های تروریستی مسئله ی است که نگرانی اصلی همه ی کشورهای عضو این سازمان را تشکیل می دهد. امنیت اکثر کشورهای ناظر این سازمان از سوی گروه های تروریستی تهدید می شود و از جمله آنها، گروه طالبان و سایر گروه های تروریستی در افغانستان همواره امنیت را برهم زده اند و حملات خونین را انجام داده اند.

این سازمان در سال ۲۰۰۴ در شهر تاشکند ازبکستان «ساختار منطقه ای ضد تروریسم» خود را تهیه و تصویب کرد و در سال ۲۰۰۶ اعلان کرد که بر اساس

در سال جاری مردم افغانستان شدیدترین و پرتلفات ترین جنگ ها را تحمل کرده اند. از یک طرف طالبان تا مراکز ولایات پیشروی کردند و از سوی دیگر داعش با خشونت های خود در ننگرهار و غور افکار عمومی را با تشویش و نگرانی همراه ساخته اند. در تمام روزهای امسال مردم کمتر خبرهای خوش شنیده اند، آنچه بوده کشتار، گروگانگیری، اختطاف، بیکاری و فقر بوده است. این مساله سطح تحمل شهروندان کشور را بیش از حد کاهش داده و تاب و توان سختی ها و دشواری های دیگر را از آنها گرفته است. چندی قبل ریاست اجراییه اختلافات جدی اش را با رئیس جمهور رسانه ای کرد. تبارز اختلافات میان سران حکومتی تشویش های جدی را در سطوح مختلف اجتماعی خلق کرد؛ زیرا حکومت فعلی بر مبنای توافقنامه سیاسی میان دو تیم تقسیم شده است. هر دو تیم به صورت پنجاه- پنجاه در ساختار قدرت سهیم می باشند. بنابراین ایستادگی و استواری حکومت به توافق، هماهنگی و همسویی شرکای آن بستگی دارد؛ چنانچه این توازن و توافق برهم بخورد، استوانه های حکومت نیز متزلزل می گردد.

هموز جنگل های به وجود آمده میان ریاست اجراییه و ریاست جمهوری حل نشده است که معاون اول رئیس جمهور، لب به انتقاد می گساید و عالی ترین مقام حکومتی را به قوم گرای متهم می کند.

وقتی عالی ترین مقامات حکومتی، که خود شان مطابق قانون از بالاترین صلاحیت سیاسی و اداری برخوردار اند و در تمام تصمیم گیری ها و سیاستگذاری ها شریک و سهیم می باشند، این چنین یکدیگر به باد انتقاد بگیرند، چنین برداشت خواهد شد که روحیه همبذری و تفاهم میان سران حکومت به صفر رسیده است که آنها را مجبور می سازند تا از زبان رسانه با یکدیگر حرف بزنند. رسانه ای کردن اختلافات در شرایط حساس و شکننده کنونی هیچ توجیهی ندارد، مگر این که ببینیم جریان گفتگو و چانه زنی در پشت میز و در میان دیوارهای ارگ به بن بست انجامیده است.

این یعنی ناکامی سران حکومت در پیشبرد مشترک و قانونی امورات مملکتی که در دراز مدت می تواند نشانه ظهور یک بحران سیاسی دیگر در کشور باشد و بی توجهی به آن می تواند ثبات سیاسی کشور را به مخاطره بیندازد.

این گونه انتقادات تند، صریح و بی باکانه از زبان رسانه ها بیانگر این است که در پشت پرده سیاست مسایلی هست که از مردم پنهان نگه داشته می شود و نوع برخورد با آن مسایل در واقع منشا اختلافات میان سران حکومتی را تشکیل می دهد. این اظهارات بدون دلیل و با روی احساسات صورت نمی گیرد و به عوامل کوچک نیز مربوط نمی شود. برجستگی عوامل مزبور از پرستیژ و جایگاه سیاسی اشخاص انتقاد کننده درک می شود. وقتی معاون اول و یا رئیس اجراییه خشم شان را در برابر رسانه ها ابراز می دارند، معلوم است که مساله آنچنان بی اهمیت و یا غیر قابل توجه هم نیست. به این خاطر باید ریشه ها و عوامل پنهانی این اختلافات بررسی شود و در راستای حل آن راهکارهای معقول و همه جانبه سنجیده شود. تا زمانی که به عوامل این اختلافات توجه نشود و مساله به گونه ریشه ای مورد ارزیابی قرار نگیرد، این روند همچنان ادامه پیدا خواهد کرد و تبعا به نگرانی های مردم نیز افزوده خواهد شد.

مشکل دوم پیامدهای خواسته و ناخواسته این گونه اظهارات و اختلافات است. این اختلافات از یک طرف سبب تشویش آذهان عمومی در جامعه می گردد و یاس، ناامیدی و بی اعتمادی را شدت می بخشد و از سوی دیگر حکومت را در انجام وظایف و مسؤلیت هایش با چالش و عقامت می کشاند. اعتبار حکومت را در نظر جامعه جهانی پایین می آورد و دشمنان افغانستان را نسبت به آسیب پذیری حکومت و فروپاشی نظام امیدوار تر می سازد.

سران حکومت باید متوجه خطرات قومی سازی و سمتی سازی سیاست ها و رویکردهای خودشان باشند. خلفات و گروه های زیادی در کمین نشسته اند تا با تشدید اختلافات قومی و سمتی، هیزم بیار معرفی کرده و از آن برای رسیدن به اهداف سیاسی شان ببرند.

سرمقاله

به اختلافات نقطه پایان گذاشته شود

حفیظ الله زکی

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیرمسئول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

جایگاه کمرنگ افغانستان؛

در مبارزات انتخاباتی ایالات متحده امریکا

دوکتور ضیا نظام/ سفیر سابق ج.ا.ی. در وینا، بروکسیل و روم/ قسمت دوم و پایانی



کمی که به نظر دونالد ترامپ حضور نظامی ایالات متحده امریکا در افغانستان دیگر ضرور نبوده و ما می توانیم تروریستان و افراطیون را ذریعه قواه هوایی نابود کنیم و در برابر این سوال که این کار باعث تکلیف و سنگین ملکی خواهد بود، جواب می دهد که با داشتن شبکه استخباراتی کار آگاه و قوی می توانیم آن را کاهش بدهیم. او بازم اضافه می کند که وی طرفدار قوای نظامی نیرومند و قوی است و چنان قوای را سازمان خواهد داد که در تاریخ ایالات متحده امریکا سابقه نداشته باشد به این ترتیب اعتبار از دست رفته کشورش را احیا خواهد نمود.

کاندید حزب دیموکرات خانم هیلری کلینتن طرفدار دوام سیاست حکومت فعلی ایالات متحده امریکا در افغانستان می باشد که در این سیاست، خودش نیز نقش بارز داشته است. وی می گوید هرگز افغانستان از توجه حکومت آینده کنار گذاشته نخواهد شد، اما سعی به خروج خواهد داد تا نظامیان افغان بهتر و بیشتر تعلیم و تربیه و تجهیز گردند تا بتوانند در برابر دشمن ایستادگی نمایند و ما سعی می کنیم که شریک خویش افغانستان را تقویه نمایم تا تروریستان و افراطیون را شکست دهند و تعهد ما در مورد

قابل ذکر است در حال حاضر ایالات متحده امریکا در حدود ۸۰۰ مراکز نظامی در سراسر جهان از اندوراس شروع الی عمان، جرمنی، جاپان، سنگاپور، جیبوتی، قطر، بحرین و سایر نقاط جهان دارد. خلاصه امریکه به زعم او، ایالات متحده امریکا از بودنش به حالت حاتم طایی که در باره حضور نظامی ایالات متحده امریکا در افغانستان نیز دونالد ترمپ نظریات

کودکان جنگ

۱۴۰۱ هـ
۹۲

اساسی را مردم تشکیل می دهد. هرگاه ذهنیت مردم در یک موضوع تمرکز کند و از آن موضوع دفاع و حمایت خود را ابراز دارند چون کاندیدان در پی آرای مردم می باشند، لذا از آن موردی که مردم به آن علاقه دارند و خواهان آن می باشند، دفاع نموده، حمایت خود را ابراز می کنند و در حالت معکوس؛ کاندیدان اکثرا از نظریات و خواست های اکثریت پشتیبانی و طرفداری می کنند. قبلا از موضوع افغانستان در آن جا بیشتر از هشتاد فیصد طرفدار داشت. مگر حالا اکثریت مردم ایالات متحده امریکا خواستار خروج نظامیان کشور شان از افغانستان هستند. در جواب سوال اینکه به کدام علت و چرا نظر مردم آن کشور در این مورد تغییر کرده است، می توان گفت که در زمینه دو علت عمده وجود دارد: یکی طولانی شدن جنگ پرمصرف که بیشتر از پانزده سال را در بر گرفته است و هنوز هم ادامه دارد و یا به عباره دیگر، طولانی ترین جنگ ایالات متحده امریکا در خارج از آن کشور می باشد. علت دوم اینکه مهمتر از سبب اول شناخته می شود عبارت از عوامل چون عدم بهبود وضع از نگاه امنیتی در افغانستان که نسبت به زمان سقوط طالبان بدتر گردیده است، وضع نامناسب و ناهنجار حکومت داری در افغانستان که این کشور را به عنوان فاسدترین مملکت جهان معرفی کرده است، همچنان افغانستان در زرع و تولید مواد مخدر قهرمان جهان شناخته می شود و خشونت علیه زنان هم افزایش یافته، وعدم مساوات بین زن و مرد پدیده منفی دیگری است که از خوشبینی مردم ایالات متحده امریکا نسبت به افغانستان کاسته است و به اضافه از آن ضعف حکومت به اثر کشمکش های داخلی آن، این همه علت ها و عوامل باعث گردیده تا مردم ایالات متحده امریکا حکومت خویش را مقصر این همه ناکامی ها در افغانستان دانسته و نظر مردم آن کشور در مورد افغانستان که در آغاز عملیات تقریبا در سطح اجماع عمومی قرار داشت به اکثریت مخالف تبدیل جهت داده و این رنگ خطر برای افغانستان تلقی می گردد و در صورت موفقیت دونالد ترامپ پیشبینی موضوع کمک های ایالات متحده امریکا را به افغانستان درحالت ابهام قرار داده است.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.